



مؤلف:
ابراهیم ارشادی

سرشناسه	:	ارشادی، ابراهیم، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	:	امام علی (ع) در چهل مقام/مؤلف ابراهیم ارشادی.
مشخصات نشر	:	تهران : انتشار صبا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۱۱۲ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۶۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	:	فبا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۱۱۲.
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق -- *Proof of caliphate ۶۰۰-۶۶۱ Ali ibn Abi-talib, Imam I, --
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	:	علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- Criticism and interpretation ۶۰۰-۶۶۱ Ali ibn Abi-talib, Imam I, --
موضوع	:	امامت
موضوع	:	Imamate
رده بندی کنگره	:	۷۹۳۱ الف۲/۵/BP۲۲۳
رده بندی دیویی	:	۲۵۲/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۵۲۳۵۶۹

نام کتاب : امام علی (ع) در چهل مقام

مؤلف : ابراهیم ارشادی

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

چاپ اول : زمستان ۹۷

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۳۴-۶۱-۴

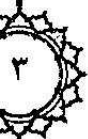
ناشر : انتشارات صبا

ناصر خسرو کوچه حاج نایب پلاک ۱۷ - ۳۳۹۰۵۳۳۸ - ۳۹۲۴۵۶۰

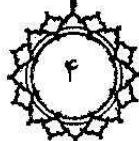
قیمت : ۱۸۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	۳
مقدمه.....	۷
مطلب اول: امامت از اصول دین است نه از فروع.....	۷
مطلب دوم: امامت که اصل دین است نه فرع، از چه راهی ثابت می شود؟.....	۱۱
مطلب سوم: نظریه اختصاص شیعه در مورد امامت.....	۱۷
مطلب چهارم: دو حدیث شیرین در مورد نبوت و امامت.....	۱۸
مطلب پنجم: احادیث عجیب در مورد علم امام و خصوصیات امام.....	۱۹
مطلب ششم: ترمایشت حرم علامه طباطبایی در مورد علم امام (ع).....	۲۳
مطلب هفتم: اسرار و سنده حکمت اسلامی.....	۲۶
مطلب هشتم: امام، ولی خداست، ولی اسم خداست.....	۲۸
مطلب نهم: امام و تصرف در خلقت.....	۳۱
مطلب دهم: امام، خیفه و جانشین خداست.....	۳۳
مطلب یازدهم: امام و فرد بودنش.....	۳۵
مطلب دوازدهم: امام، عقل مستفاد است.....	۳۶
مطلب سیزدهم: امام و حضور در همه جا.....	۳۸
مطلب چهاردهم: امام و اصلاح خلق.....	۴۰
مطلب پانزدهم: نتیجه مخفی کردن و کتمان فضائل امام علی علیه السلام.....	۴۱
«علی علیه السلام در چهل مقام».....	۴۱
۱- علی (ع) و فضائلش.....	۴۱
۲- علی (ع) و حقیقتش.....	۴۳
۳- علی (ع) و قل هو الله احد.....	۴۳
۴- علی (ع) و ملائکه (س).....	۴۴
۵- علی (ع) و ظرفیتش.....	۴۵



- ۶- علی (ع) و حق ۴۶
- ۷- علی (ع) و مقام پیامبر (ص) ۴۸
- ۸- علی (ع) و نقطه زیر باء بسم الله ۴۸
- ۹- علی (ع) و بهشت ۵۱
- ۱۰- علی (ع) و امان از عذاب الهی ۵۲
- ۱۱- علی (ع) و باب علم ۵۳
- ۱۲- علی (ع) و خلقت حضرت آدم (ع) ۵۳
- ۱۳- علی (ع) و استقامت در ولایتش ۵۴
- ۱۴- علی (ع) و عذاب سخت ۵۵
- ۱۵- علی (ع) و امینان قلب ۵۵
- ۱۶- علی (ع) و محبت به او ۵۶
- ۱۷- علی (ع) و اسم اعظم ۵۹
- ۱۸- علی (ع) و آیه الکرسی ۶۲
- ۱۹- علی (ع) و آخذ ۶۳
- ۲۰- علی (ع) و گناهان شیعیان ۶۴
- ۲۱- علی (ع) و مقام شیعیان و مساکین و مستضعفین ۶۵
- ۲۲- علی (ع) و لقب امیرالمؤمنین (ع) ۶۸
- ۲۳- علی (ع) و لقب ابوتراب ۶۹
- ۲۴- علی (ع) و تعلّم از پیامبر (ص) ۷۲
- ۲۵- علی (ع) و قرآن و قضاوت ۷۲
- ۲۶- علی (ع) و هفت خصلت او ۷۴
- ۲۷- علی (ع) و حلالزادگی شیعیانش ۷۵
- ۲۸- علی (ع) و نشان پرچم بین خدا و خلق ۷۶
- ۲۹- علی (ع) و قبولی ایمان ۷۷



- ۷۸ ۳۰- علی (ع) و فضیلت او بر سایر ائمه (ع)
- ۷۹ ۳۱- علی (ع) و کمالات انبیاء (ع)
- ۸۰ ۳۲- علی (ع) و پل صراط
- ۸۱ ۳۳- علی (ع) و میزان و ترازوی اعمال
- ۸۲ ۳۴- علی (ع) و سوره مبارکه مؤمنون
- ۸۷ ۳۵- علی (ع) و سوره مبارکه عادیات. (دوندگان با سرعت. اسبان دونده)
- ۸۸ ۳- علی (ع) و اسم علی
- ۹۲ ۳۷- علی (ع) و مقام و کارهای عجیب
- ۱۰۲ ۳۸- علی (ع) و جوابهای عجیب
- ۱۰۳ ۳۹- علی (ع) و تلمذ قرآن
- ۱۰۵ ۴۰- علی (ع) و نبی بود در صیبتش
- ۱۱۰ چند بیت شعر در مورد امام موسی علی (ع)
- ۱۱۲ منابع:



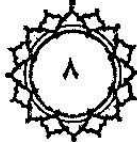
مطلب اول: امامت از اصول دین است نه از فروع.

اصول دین یعنی ریشه‌های دین که اگر آنها نباشند دینی در کار نخواهد بود. اگر دین را به یک درخت تشبیه کنیم، توحید و معاد و نبوت و امامت ریشه‌های آن درختند و بقیه فروع و شاخه‌های آن. و اگر ریشه نباشد، شاخه‌ها هم درست نخواهند بود. پس شاخه بی‌ریشه معنایی ندارد. البت این چهار اصل را می‌توانیم به یک اصل برگردانیم که همان توحید است یعنی اصل دین همان توحید و خداشناسیست. بقیه مقدمه او هستند. چونکه کسی که خدای متعال را با تفکر در خود درک نکند، بر آن مجید بشناسد می‌فهمد که این خدا باید هدفی داشته باشد و این هدف را باید به ما برساند که اینجا نبوت ثابت می‌شود و همین نبوت که اهداف خداوند را به ما رساند و حلال و حرام را بیان می‌فرماید باید برای انجام واجبات و محرمات نتیجه‌مان مترتب بشود و پاداشی داده شود که اینجا معاد و قیامت ثابت می‌شود و همین ثابت شدن کسی باشد که آنرا ادامه دهد و آنرا حفظ کند لذا امامت ثابت می‌شود و همین امامت را باید کسی حقایقش را حفظ کند و ادامه بدهد که همان ولایت فقیه است. لذا اگر کسی با عقل و با نشانه‌های خلقت، خداوند را بشناسد خود به خود اصول دیگر برایش شناخته می‌شود بنابراین اصل دین همان توحید است و اگر کسی در نبوت و امامت و معاد و ولایت فقیه و ... شک کند، صد درصد توحیدش ناقص است. باید با تفکر در قرآن مجید و روایات، توحید و خداشناسیش را کامل کرد. شک و شبهه‌اش برایش پیش نیاید. ممکن است سؤالی پیش بیاید و آن اینکه در لحاظ عقلی ثابت می‌شود که امامت جزء اصول دین است نه فروع. اما آیا از آیات و روایات هم چنین مطلبی ثابت می‌شود یا خیر؟ جواب می‌دهیم بله ثابت می‌شود. یک آیه و یک روایت را تقدیم می‌کنیم و تفکر در آنها را برعهده خواننده منصف می‌گذاریم. امام آیه مبارکه: خدای متعال در سورة مبارکه مانده آیه سوم

می فرمایند: «الیوم ینس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم و اخشون الیوم المکت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا». یعنی: «امروز کافران از زوال آیین شما مأیوس شدند بنابراین از آن ها نترسید و از مخالفت من بترسید. امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین جاودان شما پذیرفتم.» در این آیه مبارکه چند نکته جای تأمل و دقت دارد.

نکته اول: اینکه: شیعه و سنی قبول دارند که این آیه مبارکه در روز غدیر خم به دنیا آیه الاغرایت علی^(ع) نازل شده است. از جمله: ۱- دانشمند معروف ادب است ابن جریر طبری در کتاب ولایت از زید بن ارقم صحابی معروف نقل می کند که: این آیه در روز غدیر خم درباره علی^(ع) نازل گردید. ۲- حافظ ابونعیم اصفهانی در کتاب «برل من القرآن فی علی^(ع)». ۳- خطیب بغدادی در تاریخ خودش و سایر بزرگان، تا که همه قبول دارند که این آیه مبارکه در روز عید غدیر نازل شده است. به سبب شرب الیزان ذیل همین آیه مراجعه شود. مرحوم علامه سید شرف الدین در کتاب سیر المراجعات می فرماید: «نزول این آیه در روز غدیر، در روایات صحیح که از امام باقر^(ع) و امام صادق^(ع) نقل شده، ذکر گردیده و اهل سنت شش حدیث با اسناد معتبر از پیامبر (ص) در این زمینه نقل کرده اند که صراحت در نزول آیه در این جریان دارد.» مراجعات ص ۳۸.

نکته دوم: اینکه در آیه مبارکه در مورد دین، لفظ کمال را به کار برده و در مورد نعمت، لفظ تمام. اکمال دین و اتمام نعمت. اولاً باید فرق بین کمال و تمام را بدانیم. فرض بفرمائید: خانه ای با تمام وسائل و امکانات ساخته شود که همه چیز آن، سرجای خودش باشد اینجا می گویند خانه تمام شد اما هنوز کامل نشده است. وقتی منزل کامل می شود که اشخاصی در آن سکونت کنند و از آن استفاده کنند و الا خانه تمام شده برای تماشا که نیست باید از ش استفاده شود. بنابراین کمال منزل به اشخاص و استفاده است و تمام شدن منزل به تمام بودن خانه است. (دقت) خدای بزرگ فرمودند: من در روز غدیر دین را کامل کردم و



نعمت را تمام کردم. معلوم می شود خود دین، نعمت است و تمام شد اما تا قبل از روز غدیر هنوز کامل نشده بود یعنی دین با ولایت و سرپرستی امور دین از طرف مولا علی^(ع) کامل شد و کمال پیدا کرد. هر چند قبلاً تمام شده بود اما با ولایت امام علی^(ع) کامل شد یعنی تا امامت نباشد دی کاری ندارد و کامل نیست. پس ولایت و سرپرستی امور مسلمین توسط امام، اصل دین است و کامل کننده دین است. بنابراین می توانیم از آیه شریفه استفاده کنیم که: امامت و ولایت علی^(ع) و انتم^(ع) اصل دین است و جزء اصول دین است نه فروع دین. یعنی اصول دین می شود: توحید، نبوت، امامت و معاد. چونکه در آیه مبارکه: کمال دین به امامت و ولایت اسناد داده شده است. و تا این ولایت نباشد دین ناقص است. هر چند ظاهرش تمام شده است. پس امامت اصل دین است نه فرع.

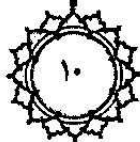
نکته سوم: اینکه: آخرین آیه سوره را در کنار آیه ۱۹ سوره مبارکه آل عمران و آیه ۸۵ همان سوره قرار دهیم می بینیم که: دین اسلام، همان ولایت و امامت است. دقت بفرمایید: خدای متعال سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۹ و ۸۵ می فرماید: «ان الذین عند الله الاسلام» دین نزد خداوند، اسلام و تسلیم شدن در مقابل حق و حقیقت است. «و من یتغیر غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه.» هر کس غیر از اسلام دینی را قبول کند و بطلبد، از این دین دور شود. خوب: در هر سه آیه کلمه دین آمده است. نتیجه می گیریم:

اولاً: با ولایت و نصب امام علی^(ع) دین کامل شد.

دوماً: دین نزد خدا، اسلام و تسلیم شدن است.

سوماً: ولایت علی^(ع) و اولاد او^(ع)، همان اسلام و تسلیم شدن در مقابل خداوند است چونکه کمال دین به آنها است. چهارماً: پس ولایت علی^(ع) اصل دین است. پنجماً: اگر کسی غیر از ولایت و امامت علی^(ع) را به عنوان دین برگزیند، از او قبول نمی شود. (دقت). و عجیب است که خدای متعال فرمودند: «رضیت لکم الاسلام دیناً» یعنی اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم.

خودتان تأمل بفرمایید. اما روایت: مرحوم صدوق^(ع) در کتاب شریف امالی مجلس ۵۴ حدیث ۲۴ ص ۴۱۹ روایتی را با سند نقل می کنند که بنده ترجمه آنرا اینجا می آورم و خواننده عزیز در آن دقت بفرمایند: حضرت عبدالعظیم حسنی^(ع) می فرمایند که من به محضر آقایم امام هادی^(ع) داخل شدم. وقتی که به بنده نگاه کردند به من فرمودند: خوش آمدی ای ابوالقاسم تو حقیقتاً دوست مایی. بعد من به ایشان^(ع) گفتم ای پسر رسول خدا همانا می خواهم دینم را بر شما عرضه کنم پس اگر پسندیده است بر آن ثابت بمانم تا زمانی که خداوند عزوجل را ملاقات کنم. فرمودند: ای ابوالقاسم بیاور و بگو. بعد من گفتم: «گویند خدای تعالی واحد است و مثل او چیزی نیست و از دو حد تعطیل و تشبیه خارج است». (یعنی: نمی شود معرفت و شناخت را تعطیل کرد و باید او را در حد توان شناخت و نه می شود که او را شبیه به مخلوقاتش کرد.) و خداوند جسم و صورت و عرض و عرض جوهر نیست. (عرض یعنی: چیزی که به دیگری وابسته است مثل سبزی. جوهر یعنی چیزی که در خارج به دیگری وابسته نیست و در موضوع دیگری نیست مثل جسم). بلکه خداوند اجسام را جسم کرده است و صورتها را تصویر کرده است و اعراض و جواهر را خلق کرده است و پروردگار و مالک و خالق و جاعل را وجود آورده هر چیزی است و اینکه محمد^(ص) بنده و رسول اوست خاتم پیامبران است و تا قیامت پیامبری بعد از او نیست و دین او خاتم ادیان است و تا قیامت دینی غیر از آن نیست. و می گویم همانا امام و خلیفه و ولی امر و سرپرست امور دین بعد از پیامبر امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است بعد حسن بعد حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی بعد جعفر بن محمد بعد موسی بن جعفر بعد علی بن موسی بعد محمد بن علی بعد شما (علیه السلام) ای مولای من. امام هادی^(ع) فرمودند: و بعد از من پسر من حسن است. پس با خلیفه بعد از حسن مردم چگونه اند؟ گفتم: و آن چگونه است ای مولای من؟ فرمودند^(ع): برای اینکه ایشان^(ع) شخصشان دیده نمی شود و حلال نیست اسم ایشان^(ع) ذکر شود تا زمانی که



خارج شوند و ظهور کنند و زمین را از قسط و عدالت پر کنند همچنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد. گفتم: اقرار می‌کنم و ثابتم بر آن. و می‌گویم: دوستدار ایشان، دوست خداست و دشمن ایشان دشمن خداست و اطاعت کردن از آنها، اطاعت کردن از خداست و معصیت کردن از ایشان معصیت خداست (علیهم السلام). و می‌گویم معراج حق است و سؤال در قبر حق است و بهشت و آتش حق است و صراط و میزان حق است و ساعت قیامت بدون شک خواهد آمد و خداوند همه را از قبرها مبعوث می‌کند و می‌گویم واجبات بعد از ولایت و امامت نماز، نکات و روزه و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر است. پس امام هادی^(ع) علی بن محمد^(ع) فرمودند ای ابوالقاسم: به خدا قسم این چیزهایی که گفتی دین خداست که آن دین را برای بندگانش پسندیده است پس بر آن ثابت بمان خداوند تبارک و تعالی در زندگی و آخرت با قول ثابت، حفظ کند و ثابت نگه دارد. «هذا والله من الله من ارتضاه لعباده». از این روایت شریف هم استفاده می‌شود که امامت دین خداست و اصل دین است. که خداوند آنرا پسندیده است برای بندگانش همان آیه شریفه سوره مائده که «رضیت لکم الاسلام دینا». پس با این آیه مبارکه را این روایت شریفه که به عنوان نمونه عرض کردیم ثابت می‌شود که امامت اصل دین است و جزء فروع دین نیست یعنی اگر کسی آنرا قبول نکند دینش بدر نمی‌خورد و به تورات و انجیل و انجیل هم قبول نیست. باز هم تأکید می‌شود که در هر سه آیه مبارکه: کلامی که آمده و آیات قرآن همدیگر را تفسیر می‌کنند و توضیح می‌دهند. اکمال دین همین دین اسلام است و همین دین، مورد رضایت خداوند است و غیر از همین دین، دین نیست و همین دین، اصلش امامت است. (دقت).

مطلب دوم: امامت که اصل دین است نه فرع، از چه راهی ثابت می‌شود؟

در جواب این سؤال باید به چند نکته توجه داشته باشیم:

نکته اول اینکه: امامت یعنی چه؟ امامت یعنی ریاست و سرپرستی عموم مردم در امور دین و دنیا. یعنی کسی که مردم آنرا در تمام کارهای دنیایی و دینی و آخرتی، مقتدا و پیشوای خود قرار می دهند. نکته دوم اینکه: آیا همین امامت، باید مثل نبوت انتصابی باشد یا انتخابی؟ یعنی آیا امام را مردم باید تعیین کنند یا خدا؟ به عبارت دیگر آیا پیامبر (ص) بعد از خود شان کسی را به عنوان امام معرفی فرموده اند یا خیر؟ جواب این سؤالات یک کلمه است و آن اینکه بله. امامت را خداوند تعیین فرمودند و پیامبر (ص) هم بعد از خودشان معین فرمودند. نکته سوم: اساس دلیلی ثابت می شود که خدای متعال امام علی (ع) و اولادشان (ع) را برای امامت انتخاب فرمودند: دلیل اول آیاتی از قرآن مجید است. دلیل دوم: روایاتی از سیره و سنی وجود دارد. دلیل سوم: با استدلال عقلی امامت علی (ع) و اولادش ثابت می شود.

اما آیاتی که دلالت بر امامت مولا علی (ع) می کند زیاد است ما به عنوان نمونه به دو آیه مبارکه استدلال می کنیم: اول: آیه ۵۵ از سوره مبارکه مائده که خدای بزرگ فرمودند: «انما ولیکم الله ورسوله والذین امنوا الذین یقیمون الصلوة ویتون الزکاه و هم راکعون.» یعنی: سرپرست و ولی شما تنها خداست و پیامبران و آنها که ایمان آورده اند. همه آیه نازل می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.» شیعه و سنی این را قبول دارند که این آیه شریفه، در شأن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) نازل شد. در وقتی که ایشان (ع) در رکوع انگشت خود را به سائل و گدا دادند. به الغدیر ج ۲ ص ۲۵ و جامع الاموال ج ۹ ص ۴۷۸ مراجعه شود.

«انما» برای حصر است یعنی فقط و فقط سرپرست شما، خدا و پیامبر و ایمان آورندگان هستند و غیر از اینها نیست. و «ولی» به معنی یار و یاور و دوستی و صاحب اختیار و کسی که شایسته تر به تصرف در امور است، آمده است. و در این آیه، منظور یار و دوستی نیست چونکه همه مؤمنان یاور و دوست یکدیگرند و اختصاص به خدا و رسول خدا و امام ندارد. بلکه منظور از ولی دو معنی دیگر

است یعنی صاحب اختیار و شایسته به تصرف در امور مردم. و اینکه آیه والذین امنوا را به صورت جمع آورده است در حالی که مراد و منظور امام علی^(ع) است، این به خاطر تعظیم و احترام است و اینکه جمع را برای مفرد آوردن در کلام عرب شایع است و در زبان فارسی هم شایع است مثلاً به شخصی صاحب مقامی می‌گوییم: تشریف بیاورید. نه بیاور و هم اینکه: اگر مفرد می‌آورد ممکن بود تصریح در آن شود و تغییر داده شود و اینکه: سایر امامهای ما هم داخل در آن هستند. (تفت کنید).

دوم. آیه ۱۱۹ از ... مبارکه توبه است که خدای بزرگ فرمودند: «یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و خونوا من الصادقین.» یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و با صادقان باشید. «اولاً اینکه: خداوند فرمود با صادقان باشید باید در هر زمانی با صدقی باشید که با او باشیم چون که قرآن و آیاتش کتاب جاودانی و قانون است رفیقان زمان و مکان نمی‌شناسد. دوماً: منظور از صادق، راستگوی ساده است چونکه اگر مراد این باشد لازمه‌اش این است که ما باید از هر راستگویی اطاعت کنیم و اطاعت از او واجب باشد و این هم معقول نیست. سوماً: پس مراد از صدق یعنی کسی که در تمام گفتار و کردارش صادق باشد و چنین کسی هم معصوم است. کما نمی‌کند پس باید معصوم در هر زمانی باشد که آیه بر او صدق کند و اطاعت کردنش واجب باشد. چهارماً: اهل سنت مثل سیوطی و ثعلبی و غیره نقل کرده‌اند که در حدیث صادقین امیرالمؤمنین علی^(ع) است. به کتاب درالمشورج ۳ ص ۲۹۰ و تفهیم سوره می ج ۲ ص ۳۹۵ و ... مراجعه شود.

اما روایاتی که دلالت بر امامت علی^(ع) و اولاد بزرگوارش می‌کند زیاد است ما به دوروایت استدلال می‌کنیم:

اول: حدیث شریف غدیر خم است که به وضوح و صراحت: امامت و خلافت مولا علی^(ع) را بیان می‌فرمایند و اصل قصه را هم شیعه و هم سنی قبول دارند عزیزان می‌توانند برای اطلاع بیشتر و جریان غدیر به حق‌الیقین علامه

مجلسی^(۱) و منتهی الامال مرحوم شیخ عباس قمی^(۲) و سایر کتب مراجعه بفرمایند. حقیق فقط به یک نکته اشاره می‌کنم و آن اینکه: بعد از اینکه همه در محل غدیر خم جمع شدند منبری از جهاز شتر و کجاوه‌ها ترتیب دادند و حضرت رسول^(ص) بر آن منبر تشریف بردند و سخنرانی فرمودند و بعد جناب امیرالمؤمنین علی^(ع) را بلند نمودند به حدی که سفیدی زیر بغل اقدسش آشکار شد و همه آن حضرت را دیدند. و بعد فرمودند: پس «هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای او است.» پیغمبر^(ص) قبل از بیان این جمله را فرمودند: که «انست، اولى ابالمؤمنین من انفسهم» «آیا من اولاً تر و شایسته‌تر به تصرف بر مرئوسان المؤمنان بر خودشان نیستم،» که این فرمایش را با توجه به قرآن مجید فرمودند که احزاب ای متعال، فرمودند: البنی اولى ابالمؤمنین من انفسهم احزاب آیه ۴ یعنی پیامبر رلاً تر و شایسته‌تر است بر مؤمنان از خودشان، معلوم می‌شود منظور از مولا: همان او شتر و شایسته‌تر به تصرف و سرپرستی امور آنهاست و به معنای دوستی نیست بلکه معنی نداد. در آن گراما پیغمبر^(ص) همه را جمع کنند و بگویند هر که من دوست او هستم علی هم دوست او است! اینرا قبلاً فرموده بودند و نیازی به این همه دردسر نداشتند. پس مراد از مولا: همان اولی (شایسته‌تر) به تصرف در امور مسلمانان و سرپرستی کارهای دنیایی و آخرتی آنهاست. بحث در مورد جریان غدیر و استلال آن مفصل است و بنده فقط اشاره کردم. خواننده محترم می‌تواند کتب شریفه حق الیقین علامه مجلسی^(۳) و علم الیقین مرحوم شیخ عباس قمی و سایر کتب مراجعه بفرمایند که مفصل بحث شده است.

حدیث دوم: حدیث منزلت است که دلالت بر امامت مولا علی^(ع) دارد. و آن اینکه پیغمبر در جاهای زیاد فرمودند: «إنت منی بمنزله هارون من موسی الا انه لابنی بعدی» یعنی ای علی^(ع) تو برای من مثل هارون^(ع) هستی برای موسی^(ع) الا اینکه بعد از من پیامبری نیست. صحیح بخاری ج ۲ ص ۳۰. صحیح مسلم ج ۴ ص ۱۰۸. صحیح ترمذی ج ۲ ص ۳۰.

